و خدا به [حال‌] دشمنان شما داناتر است؛ کافى است که خدا سرپرست [شما] باشد، و کافى است که خدا یاور [شما] باشد. (45) برخى از آنان که یهودى‌اند، کلمات را از جاهاى خود برمى‌گردانند، و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام، با درآمیختن عبرى به عربى‌] مى‌گویند: «شنیدیم و نافرمانى کردیم؛ و بشنو [که کاش‌] ناشنوا گردى.» و [نیز از روى استهزا مى‌گویند:] «راعنا» [که در عربى یعنى: به ما التفات کن، ولى در عبرى یعنى: خبیث ما،] و اگر آنان مى‌گفتند: «شنیدیم و فرمان بردیم، و بشنو و به ما بنگر»، قطعاً براى آنان بهتر و درست‌تر بود، ولى خدا آنان را به علّت کفرشان لعنت کرد، در نتیجه جز [گروهى‌] اندک ایمان نمى‌آورند. (46) اى کسانى که به شما کتاب داده شده است، به آنچه فرو فرستادیم و تصدیق‌کننده همان چیزى است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آنکه چهره‌هایى را محو کنیم و در نتیجه آنها را به قهقرا بازگردانیم؛ یا همچنانکه «اصحاب سبت» را لعنت کردیم؛ آنان را [نیز] لعنت کنیم، و فرمان خدا همواره تحقق یافته است. (47) مسلماً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمى‌بخشاید و غیر از آن را براى هر که بخواهد مى‌بخشاید، و هر کس به خدا شرک ورزد، به یقین گناهى بزرگ بربافته است. (48) آیا به کسانى که خویشتن را پاک مى‌شمارند ننگریسته‌اى؟ [چنین نیست،] بلکه خداست که هر که را بخواهد پاک مى‌گرداند، و به قدر نخ روى هسته خرمایى ستم نمى‌بینند. (49) ببین چگونه بر خدا دروغ مى‌بندند. و بس است که این، یک گناه آشکار باشد. (50) آیا کسانى را که از کتاب [آسمانى‌] نصیبى یافته‌اند ندیده‌اى؟ که به «جبت» و «طاغوت» ایمان دارند، و در باره کسانى که کفر ورزیده‌اند مى‌گویند: «اینان از کسانى که ایمان آورده‌اند راه‌یافته‌ترند.» (51)